

تصمیم جمهوری اسلامی سفاک ایران مبنی بر اعدام "سه هزار تن" از هموطنان ما را شدیداً محکوم می کنیم!

شنبه تاریخ 13 مارچ 2010 میلادی (22 حوت 1388 خورشیدی) خبری از رادیو (بی بی سی) بخش فارسی پخش شد که دولت ایران حکم قطعی اعدام سه هزار تن از زندانیان افغانستانی در ایران را صادر کرده است. به قول این منبع در این اواخر هیئتی از پارلمان دولت مزدور در افغانستان دیدار رسمی از ایران داشته و گزارش داده است که " حدود 5630 نفر از باشندگان افغانستان در جمهوری اسلامی ایران زندانی اند و از میان آنها بیش از سه هزار بر اساس فیصله قطعی نهائی (حکم قطعی) محکوم به اعدام هستند و انتظار اجرای این حکم را می کشند ". گفته شده که جرم این افراد بیشتر قاچاق مواد مخدر عنوان شده است. وزیر عدلیه دولت مزدور طی مصاحبه ای با رادیو بی بی سی در مورد کمک به این محکومین از عدم موجودیت موافقتنامه میان دولت افغانستان و ایران در این زمینه سخن به میان آورد. همچنین او در مورد انتقال این زندانیان از ایران به افغانستان نبود بودجه لازم برای نگهداری و مصارف آنها مطرح کرد. و این امر در موردش خاینانه ترین و ننگین ترین موضعی است که دولت مزدور در برابر مردم مظلوم این کشور دارد. البته ما از این دولت جنایتکار و قاتل توقع دفاع از حیات مردم افغانستان را نداریم؛ زیرا این رژیم مزدور و پاداران امریکائی و اروپائی اش روزانه ده ها تن از مردم را بقتل می رسانند. و اکنون صدها تن آنها در زندانهای اشغالگران امریکائی و اروپائی بسر برده و مورد شکنجه های غیر انسانی قرار می گیرند.

اتهام «قاچاق و نگهداری» مواد مخدر در طی سی سال اخیر منحصیث وسیله ای در دستگیری و سرکوب و کشتار مخالفین توسط رژیم سفاک ایران در مرزهای شرقی و جنوبی این کشور بوده است که اکثراً محل سکونت اقوام و ملیتهای غیر فارسی و سنی مذهب ها هستند، بکار گرفته شده است. در حالیکه منشاء اصلی تجارت و ترافیک این مواد خود عمدتاً سران دولت ایران خاصتاً سپاه پاسداران است. و در مرزهای افغانستان و ایران و پاکستان قاچاقبران بزرگ به کمک و حمایت این نیرو آزادانه به معامله مشغول اند. بخش دیگر از این شبکه گسترده بین المللی سران ارتشهای اشغالگر خاصتاً امریکا و انگلیس هستند که مناطق نوار مرزی جنوبی و شرقی افغانستان را در کنترل دارند (وسالانه ده ها میلیارد دلار بدست می آورند) و نیز قاچاقبران بزرگ افغانستانی. دولت ایران در جهت مغشوش کردن اذهان عامه مردم ایران و جهان احياناً عده ای پرچون فروش و پیامزور کارانی که در شبکه انتقال این مواد توسط قاچاق چیان بزرگ اجیر شده اند را از حاشیه مرزی دستگیر و اعدام می کنند که تعدادی از مزدور کاران فلک زده افغانستان هم در زمره آنها اند.

بعد از کودتای ننگین 7 ثور سال 1357 و تهاجم وحشیانه سوسیال امپریالیستهای شوروی به افغانستان در ششم جدی سال 1358 حدود سه میلیون از مردم ما از وحشت رژیم فاشیست و مزدور خلقی پرچمی ها و پاداران روسی شان به ایران فرار کردند. همچنانکه حدود چهار تا پنج میلیون آنها به کشور پاکستان گریختند. این کتله 7-8 میلیونی آواره در طی سه دهه تحت رژیم های ضد مردمی ایران و پاکستان به شدت مورد استعمار وستم و توهین و تحقیر قرار گرفته اند. و هنوز هم حدود سه ملیون آنها در این دوکشور باقی مانده و امکان برگشت به کشورشان را ندارند. سرمایه داران و زمینداران بزرگ و متوسط ایران بیش از دیگر کشورهای منطقه در طی این سه دهه شیره جان صدها هزار تن نیروی کار ارزان را کشیده اند. پناهندگان افغانستان در ایران مجبور اند با شاقه ترین کارها با مزد کم و بدون هیچگونه امکانات و تضمینات ایمنی و رفاهی تن در دهند. دونسل از مردم ما در بخشهای زراعت، دام داری، ساختمان سازی، کوره های خشت پزی، چاه کنی و پاک کردن چاه ها و کانالهای فاضل آب کار کرده و از دسترنج آنها شکم گنده های رژیم ایران فربه شده اند. مردم افغانستان در ایران نه بعنوان پناهنده که از حقوق انسانی برخوردار باشند که بعنوان برده های کار مزدوری به آنها دیده می شود. این رژیم غدار و سفاک کوچکترین رحمی به کتله های چند میلیونی مردم ما در طی این مدت نکرده است. داستانهای اندوهبار و نفرت انگیزی از رفتار ظالمانه و وحشتبار سپاه پاسداران و دیگر مامورین امنیتی

این نظام بیرمنش قرون وسطائی در طی سه دهه مورد دیگری از ستم و جفاگری بر حق این مردم ستم‌دیده و مظلوم است. همچنین سالانه صدها تن از مردم ما که بخاطر پیداکردن کار و لقمه نانی راهی ایران می‌شوند در مرز بین دو کشور توسط ارتش و سپاه این رژیم خونخوار به گلوله بسته می‌شوند. مورد دیگر در طی هشت سال جنگ ایران و عراق هزاران تن از این بدبخت‌های فلک زده توسط رهبران گروه های اسلامی مزدور مستقر در ایران اغوا شده و زیر نام «برادری و همبستگی اسلامی» جانهای خود را در دفاع از این رژیم ضد انسانی و نوکر امپریالیسم جهانی در برابر ارتش عراق از دست داده اند. ولی این رژیم جلاد حتی بر فامیل های این قربانیان (راه تحکیم رژیم خونخوار اسلامی) نیز از هیچگونه جور و ستمی دریغ نکرده است.

همچنین سردمداران این رژیم در طی سه دهه بطور گسترده در مسایل افغانستان مداخله و دست درازی کرده و بر ضد منافع مردم و میهن در تمام عرصه ها عمل کرده و می‌کند. در تمام این دوران در تبنانی با سوسیال امپریالیستهای روسی و رژیم مزدورانها و امپریالیسم امریکا و مزدوران آن و دولت های ارتجاعی پاکستان و عربستان در ویرانی کشور و بر باد می‌بردای مردم ما دست داشته است. دولت ایران در طی هشت سال اخیر زیر نام سهم دریلان «بازسازی» امپریالیستها؛ سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی اش را در کشور بیش از پیش تحکیم کرده است. این رژیم توسعه طلب لانه های جاسوسی اش را زیر نامهای «موسسات خیریه»، «مراکز فرهنگی»، «مراکز تعلیمات متوسطه و عالی» (منجمله در دانشگاه «خاتم النبیین» تحت سرپرستی شیخ اصف محسنی، ده حسینیه و تکیه خانه جدید، کتابخانه ها، شرکتهای تجارتي و تولیدی، شبکه های ترور ازباند «سپاه قدس» و از این قبیل جابجا کرده و بعلاوه صدها تن عمال و جاسوس بومی در طی سی سال اخیر برایش تربیت کرده است که عده ای در عالی ترین مقامهای دولت مزدور قرار دارند.

این رژیم سفاک که بقایش راباخون ریزی و جنایت می بیند درسی سال در کنار اعدام ده ها هزار تن از مردم آزادیخواه و مین دوست ایران چند هزار تن از مردم افغانستان منجمله نوجوان رابه بهانه های مختلف به دار آویخته است. رژیم اسلامی ایران از نشر خبر "سه هزار نفر اعدامی" از مردم افغانستان علاوه بر فرو نشانندن عطش خونخواری اش هدف دیگری راهم دنبال می کند و آن تحت فشار قرار دادن دولت مزدور مرکزی بمنظور امتیاز گیری بیشتر است.

سرنگون باد نظام اسلامی خونخوار ایران

مرگ بر امپریالیستهای اشغالگر

مرگ بر دولت مزدور مرکزی

16 مارچ 2010 (25 حوت 1388)

فعالین: (جنبش نجاتبخش مردم افغانستان)